

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و دوم، شماره ۶۵، تابستان ۱۴۰۱

آینده پژوهی تعیین اراضی بالقوه جهت توسعه شهری و ارائه الگوی بهینه توسعه شهر کرمان

دریافت مقاله: ۹۸/۱/۴ پذیرش نهایی: ۹۸/۵/۲۳

صفحات: ۱۳۷-۱۵۶

اسماعیل کمالی باغراهی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، ایران.

Email: esmailkamali9@gmail.com

امید سمندری: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استانداری کرمان، ایران.

Email: amandari@yahoo.com

صادق صیدبیگی: دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد، تهران، ایران.^۱

Email: sadegh.seidbeigi@gmail.com

مرتضی سرحدی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، اداره رفا، کار و امور اجتماعی عنبرآباد، کرمان، ایران.

Email: sarhadi@gmail.com

چکیده

ارزیابی توان اراضی جهت توسعه شهری به معنای عینیت بخشیدن به قابلیت بالقوه سرزمین در قالب کاربری-های انجام پذیر و مورد انتظار است و از طرفی افزایش روزافزون جمعیت شهرنشین و در پی آن رشد شهرها، توجه به چگونگی گسترش توسعه شهرها و گام برداری در راستای اصول توسعه پایدار را الزامی می نماید. شهر کرمان نیز به عنوان یکی از شهرهای بزرگ و مهم ایران با محدودیت های طبیعی و انسانی جهت توسعه مواجه است که از این قاعده مستثنی نمی باشد؛ بنابراین توجه به چگونگی توسعه آن، ضرورت دارد. هدف از انجام این پژوهش، شناسایی اراضی مستعد جهت توسعه آتی شهر کرمان می باشد. این پژوهش از نظر هدف تحقیقی کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی، تحلیلی می باشد. به منظور رسیدن به هدف پژوهش، از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی و منطق بولین در نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شده و در نهایت با تلفیق نهایی نقشه ها، اراضی مناسب جهت توسعه آتی شهر کرمان شناسایی شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که اراضی واقع در جنوب، جنوب غرب، شمال و شمال غرب شهر کرمان از موقعیت بهتری جهت گسترش آینده شهر نسبت به سایر بخش ها برخوردار می باشند. همچنین با توجه به نتایج حاصل از الگوی گسترش متمرکز درون بافتی فشرده در چارچوب رشد هوشمند و در عین حال الگوی پیوسته قطعی با توسعه سیستم شبکه ارتباطی متقاطع و مورب به منظور جلوگیری از گسترش شهر به شکلی خطی، پیشنهاد می شود.

کلید واژگان: توان اکولوژیک، توسعه شهری، تحلیل سلسله مراتبی فازی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، شهر کرمان.

۱. نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری

مقدمه

مشکل گسترش ناموزون شهری، بعد از دهه ۱۹۶۰، آغاز شد و نه تنها در آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن، بلکه در بعضی از شهرهای بزرگ کشورهای توسعه یافته به وجود آمد (ژئو^۱، ۲۰۱۱: ۹) و پیش بینی می گردد تا سال ۲۰۲۵ افزون بر ۶۵ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند (کیا^۲، ۲۰۰۶: ۱۹). اگر این روند، سریع و بی برنامه باشد به توسعه فیزیکی متعادل و موزونی از فضاهای شهری نخواهد انجامید (قرخلونره و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵). در عین حال توسعه ناموزون، اثرات زیان باری در محیط بر جای می گذارد (جیجر و همکاران^۳، ۲۰۱۰: ۳۹۷). اثرات زیان باری چون گسترش مداوم ساخت و سازهای شهری در بین مزارع کشاورزی و باغات اطراف شهر به همراه افزایش مهاجرت ها، توزیع نامناسب کاربری ها و خطرات زیست محیطی به دنبال خواهد داشت (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱). از طرفی هرچه شهر بزرگ تر باشد این خطرات بیشتر افزایش می یابد (احدنژاد رودشتی و حسینی، ۱۳۹۰: ۲). در واقع، استفاده از زمین در نواحی شهری مساله ای جدی است، بخصوص به واسطه منابعی که برای چنین سکونتگاه های به سرعت در حال رشد حیاتی است. از جمله این منابع می توان به آب های زیرزمینی، خاک های بارز برای کشاورزی و ذخایر معدنی شامل مواد خام (ماسه، شن، سنگ آهک) اشاره کرد. همچنین در برخی موارد، گسترش فضاهای شهری این احتمال را به وجود می آورد که مخاطرات طبیعی به تهدیدی جدی تبدیل شده و می تواند منجر به فجایعی شود (ساندرز و کلاک^۴، ۲۰۱۰: ۵). بنابراین، شرایط طبیعی و انسانی مختلفی تعیین کننده تناسب یک ناحیه برای توسعه شهر است. نادیده گرفتن اثرات عوامل و شرایطی همچون موقعیت دشت سیلابی و اراضی مرطوب، خاک های رسی، شیب های تند، بالا بودن سطح سفره های آب زیرزمینی، وجود سنگ بستر، اراضی کشاورزی مرغوب و ... در امر توسعه می تواند مسائل بغرنج و حادی را موجب شود (گروه برنامه ریزی شهری پورتیج^۵، ۲۰۰۷: ۱۷). اهمیت ارزیابی توان اکولوژیک سرزمین تا به آنجا است که چنانچه سرزمین بالقوه فاقد توان اکولوژیکی مناسب برای اجرای کاربری خاصی باشد (حتی در صورت نیاز اقتصادی- اجتماعی به وجود آن کاربری) اجرای آن طرح نه تنها سبب بهبود وضعیت زیست محیطی منطقه نمی گردد، بلکه تخریب بیشتر محیط را نیز در پی خواهد داشت (جوزی و رضاییان، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

علیرغم اینکه یافته های علمی اثبات کرده اند که الگوی توسعه فراگیر شهری به اطراف برای توسعه آن ها مؤثر نیست، اما همچنان الگوی غالب توسعه شهری است (باتیسانی و یارنال^۶، ۲۰۰۹: ۲). از طرفی وجود محیطی امن برای زندگی در کنار سایر نیازهای فیزیولوژیک انسان نظیر تغذیه، سرپناه، بهداشت از ضروریات و نیازهای اصلی انسان است، به گونه ای که احساس ناامنی از محیط و نگرانی های ناشی از آن سایر فعالیت های وی را تحت الشعاع قرار می دهد و اگر استمرار یابد نوعی اختلال در فعالیت های انسانی را سبب می گردد (شمسی پور و شیخی، ۱۳۸۹: ۵۴). شهر کرمان به عنوان یکی از شهرهای بزرگ و مهم ایران است که افزایش جمعیت و به دنبال

1 - Zhao

2 - Kaya

3 - Jaeger et al

4 - Sanders and Clark

5 - Portage County (Wis). Planning Dept

6 - Batesani and Yarnal

آن گسترش فیزیکی، باعث توسعه این شهر در پهنه‌ای با خطر بسیار بالا (از لحاظ شرایط طبیعی و انسانی) شده است. از طرفی دیگر گسترش شهر در مجاورت خطوط گسل به‌طوری که مناطقی از شهر نیز بر روی گسل بنا شده است؛ منشأ زلزله‌های ویرانگر بسیاری در طول تاریخ بوده و بار دیگر با فعالیت مجدد خود می‌تواند شهر را به ویرانه‌ای تبدیل نماید.

از طرفی دیگر قسمت اعظم دشت کرمان بر روی رسوبات تبخیری پلایایی واقع شده است که به‌خصوص در قسمت‌های جنوبی آن، رسوبات ماسه‌ای بادی گسترش دارد و در حال پیشروی به سمت شهر می‌باشد (حمزه و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۲). از لحاظ شرایط انسانی نیز شهر کرمان با مشکلاتی چون ملحق شدن نقاط روستایی شرف‌آباد و الله‌آباد به بافت شهر و افزایش جمعیت و مهاجرت‌های بی‌رویه روبرو است و با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود که این روند در آینده نیز ادامه پیدا کند، برنامه‌ریزی صحیح برای گسترش و توسعه احتمالی شهر و مکانیابی و ساماندهی جهات شهر را به یک ضرورت تبدیل کرده است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم با شناخت و بررسی محدودیت‌های توسعه فیزیکی شهر کرمان، مکانی مناسب جهت توسعه آینده شهر پیشنهاد گردد که حاصل آن یک توسعه موزون، هماهنگ با محیط طبیعی و انسانی برای شهر کرمان می‌باشد؛ بنابراین سؤالات مهمترین سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- جهات مناسب برای توسعه شهر کرمان کدام‌اند؟

۲- الگوی پیشنهادی مناسب برای توسعه شهر کرمان چیست؟

مبانی نظری

رشد و توسعه شهری فرایندی غیرقابل اجتناب و همواره در حال تغییر و تحول محسوب می‌شود. یکی از مهمترین دغدغه‌ها در این توسعه، تعیین جهات مناسب و نحوه گسترش فیزیکی شهر برای جوابگویی به نیازهای فعلی و پیش‌بینی برای نیازهای آینده است. چرا که این مهم علاوه بر سیاست‌های شهرسازی، مسائل اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی بسیاری از مناطق شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (نوفل و کلبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). برای انتخاب منطقه برای توسعه شهری، معیارهای مختلفی مانند آب، شیب، سنگ، خاک و غیره مطرح است که فرد تصمیم‌گیرنده باید گزینه‌های مختلف را بر اساس این معیارها بسنجد. گاهی نتیجه تصمیم‌گیری به حدی مهم است که بروز خطا ممکن است ضررهای جبران‌ناپذیری را به وجود آورد (سلاورزی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۱۰).

توسعه فیزیکی شهر، فرایندی پویا و مداوم است که طی آن محدوده‌های فیزیکی شهر و فضاهای کالبدی آن در جهت‌های عمودی و افقی از حیث کمی و کیفی افزایش می‌یابند و اگر این روند سریع و بی‌برنامه باشد به تنسيق فیزیکی متعادل و موزون فضاهای شهری نخواهد انجامید و در نتیجه سامانه‌های شهری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد ساخت (فردوسی، ۱۳۸۴: ۸۷). توسعه و عمران در مناطق مختلف شهری، روستایی و صنعتی که در بستر طبیعی قرار دارند همواره نیازمند مطالعه دقیق در ویژگی‌های طبیعی آن‌هاست (ثروتی، ۱۳۸۳: ۱۴). مطالعه توسعه فیزیکی شهر یکی از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان شهری است و باید قبل از هر مطالعه دیگری صورت گیرد، زیرا برنامه‌ریزی‌های بعدی بر مبنای این مطالعه انجام می‌گیرد (علمی زاده، ۱۳۸۸: ۶۳). در مطالعه فیزیکی شهرها باید عوامل و موانع طبیعی و انسانی را مطالعه و ارتباط و تأثیر متقابل این پدیده‌ها بر یکدیگر و بر توسعه شهر بررسی شود؛ زیرا عدم شناخت و ناآگاهی لازم از این محدودیت‌ها و عدم رعایت حریم مناسب

آن‌ها، باعث هدایت و گسترش شهر در جهت این موانع می‌شود که در نهایت شهر و فضاهای شهری را با مشکلات جدی مواجه خواهد نمود. (نصیری هنده خاله، ۱۳۹۶).

گسترش بی‌رویه شهرها یک مشکل جهانی است و پیش‌بینی می‌گردد تا سال ۲۰۲۵ افزون بر ۶۵ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند (کیا، ۲۰۰۶: ۱۹). درعین حال افزایش سریع پراکندگی شهری، اثرات زیان‌باری در محیط بر جای می‌گذارد (جیجر و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۹۷). علیرغم اینکه یافته‌های علمی اثبات کرده‌اند که الگوی توسعه فراگیر شهری به اطراف برای توسعه آن‌ها مؤثر نیست، اما همچنان الگوی غالب توسعه شهری است (باتیسانی و یارنال، ۲۰۰۸: ۲). فیزیکی یا توسعه کالبدی یک شهر به‌خودی‌خود نمی‌تواند بد باشد و نه می‌تواند خوب و بی‌نقص باشد و همچنین نمی‌توان از توسعه شهرها ممانعت به عمل آورد چراکه، شهر نیز همچون موجودات زنده، به وجود می‌آید، رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، عوامل زیادی نظیر رشد جمعیت و مهاجرت به شهر، این توسعه فیزیکی را تسریع می‌کند (بمانیان، ۱۳۸۷، ۱۰۶).

شکل یا الگوی رشد شهرها در کشورهای مختلف از تنوع زیادی برخوردار است. اما به طور کلی رشد شهر به صورت یک فرآیند دوگانه گسترش بیرونی و رشد فیزیکی سریع یا رشد درونی و سازماندهی مجدد است. هر کدام از این دو روش کالبد متفاوت و جداگانه‌ای از دیگری ایجاد می‌نمایند. گسترش بیرونی به شکل افزایش محدوده شهر یا به اصطلاح گسترش افقی بی‌رویه^۱ ظاهر می‌گردد و رشد درونی به صورت درون ریزی جمعیت و الگوی رشد فشرده^۲ نمایان می‌شود.

هر کدام از این دو رشد، کالبد متفاوت و جداگانه‌ای از دیگری ایجاد می‌نمایند، رشد کالبدی به شکل افزایش محدوده شهر یا به اصطلاح گسترش افقی شهر ایجاد می‌گردد و رشد عمودی به صورت درون ریزی جمعیت شهری و رشد فشرده شهری نمایان می‌شود. این الگوهای متفاوت به نسبت نوع گسترش که در شهر به وجود آمده‌اند، پیامدها و نتایج متفاوتی را نیز در پی دارند (رهنما و همکاران، ۱۳۸۷).

گسترش افقی یا پراکندگی شهری از گردهم آمدن اتفاقی مساکن با تراکم کم و توسعه‌های تواری شکل تجاری ایجاد شده و معلول کاربرد وسیع اتومبیل است (اوینگ^۳، ۱۹۹۷). به عبارتی گسترش شهر در اطراف و حاشیه شهرها و به سمت روستاها، یا در طول بزرگراه‌ها و یا گسترش بی‌برنامه و کنترل نشده در سطح شهر گسترش افقی است (هدلی^۴، ۲۰۰۰). به عبارتی دیگر در تعریفی واحد می‌توان گفت: توسعه بدون برنامه ریزی، بدون کنترل، ناهماهنگ و تک‌کاربری، که نقش ترکیبی از کاربری‌ها فراهم نمی‌کند و از نظر عملکردی هیچ رابطه‌ای با کاربری‌های اطراف شهر ندارد و به عنوان یک توسعه کم تراکم، خطی یا تواری، متفرق، جسته و گریخته و توسعه جدا افتاده به نظر می‌رسد (نوزی^۵، ۲۰۰۳). چهار ویژگی اصلی گسترش افقی شهر عبارتند از: توسعه جسته و گریخته و متفرق، توسعه نواری تجاری، تراکم پایین، توسعه تک‌کاربری. تراکم یا همان تراکم جمعیتی و یا تعداد واحدهای ساختمانی در منطقه است. به طور کلی تراکم جمعیت کمتر از ۲۵ نفر در هکتار به عنوان تراکم کم شناخته می‌شود که اغلب در شهرهای آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزیلند

1 - sprawl

2 - compact city

3 Ewing

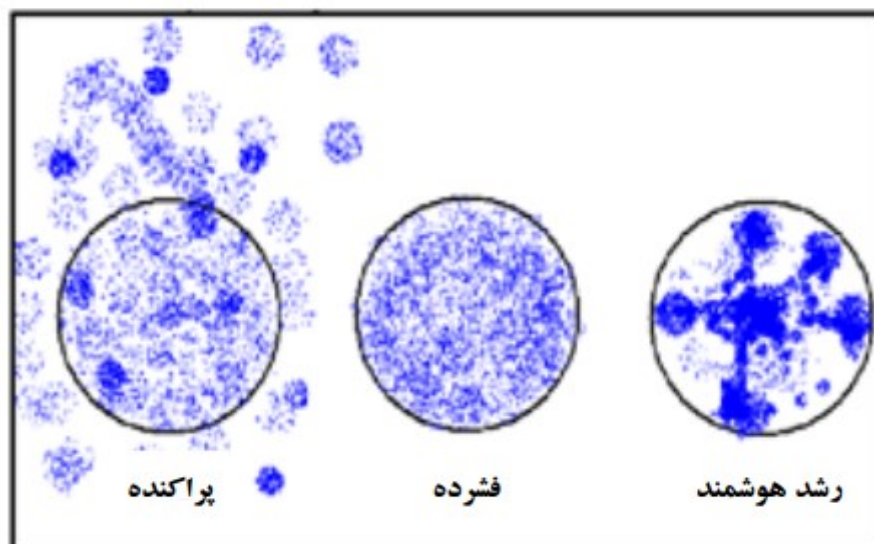
4 Hadly

5 Nozzi

مشاهده می‌گردد. همچنین بسیاری از شهرهای اروپا نیز که تراکم حدود ۵۰ نفر در هکتار دارند، و شهرهای آسیایی با تراکم کمتر از ۱۰۰ نفر را شهرهای گسترده قلمداد کرده‌اند (الکین^۱، ۱۹۹۱). در فرم شهر فشرده، تأکید بر رشد مراکز شهری موجود و زمین‌های بازیافتی و در عین حال اجتناب از گسترش و پخش شدن در حاشیه هاست (حسینیون، ۱۳۸۵: ۱۴). شهر عمودی (فشرده) طبق تعریف الکین باید فرم و مقیاسی داشته باشد که برای پیاده روی، دوچرخه سواری و حمل و نقل عمومی، همراه با تراکمی که باعث تشویق تعاملات اجتماعی می‌شود، مناسب باشد (Elkin et al., 1991) و جمعیت و تراکم افزایش یافته در گروه‌های داخلی حومه‌های شهرها همراه با سرمایه گذاری در حمل و نقل عمومی صورت گیرد (کاتی و همکاران، ۱۳۸۳، ۷۹). همچنین برتون شهر فشرده را شهری تعریف کرده است که تراکم آن بالا و کاربری‌ها به صورت ترکیبی است و سیستم حمل و نقل عمومی خوبی دارد و پیاده روی و دوچرخه سواری را تشویق می‌کند (Burton, 1970, 2000).

اما الگوی رشد هوشمند شهری^۲ در مقابل دو الگوی شهر فشرده و شهر پراکنده قرار گرفته است. در این الگو بر صیانت از محدوده‌های شهری تأکید شده و معتقد است استفاده کارآمدتر از ظرفیت‌ها صورت گیرد. توسعه بزرگرایی در این الگو نقض شده و بر پیاده‌مداری و توسعه حمل و نقل محور تأکید می‌شود. این الگو، نه معایب شهرهای فشرده و نه ایرادات شهرهای پراکنده را دارد و خواستگاه آن از کشور آمریکا می‌باشد. رشد هوشمند، اصطلاحی رایج برای یکپارچه سازی سیستم حمل و نقل و کاربری اراضی است که از یها توسعه ها فشرده و کاربری مختلط در مناطق شهری حمایت کرده و در تقابل با توسعه‌های اتومبیل محور و پراکنده در حاشیه شهر قرار می‌گیرد (Frank et al, 2006:26). انجمن بین المللی مدیریت شهری (ICMA5) تعریف جامعی از رشد هوشمند دارد که چنین است: توسعه ای که اقتصاد، اجتماع و محیط زیست را در برگیرد و چارچوبی برای جوامع تهیه می‌کند که در قالب آن تصمیم‌گیری‌ها مربوط به اینکه رشد در کجا و چگونه اتفاق بیفتد (G.Hevesi, 2004,21).

رشد هوشمند شهری در نهایت منجر به توسعه الگوی عمودی و فشرده‌گی می‌شود که سطح کمتری از زمین را اشغال نموده، به ارتقای کیفیت زندگی جامعه، تنوع طراحی، توانمندسازی اقتصاد و ترقی مسائل زیست محیطی، افزایش سلامتی عمومی، تنوع و گوناگونی مسکن و فراهم آوردن شیوه‌های مختلف حمل و نقل می‌انجامد و با افزایش دسترسی، به کاهش سفرها و در نتیجه کاهش انتشار آلاینده و مصرف انرژی منجر می‌شود (رهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۲).



شکل (۱): تراکم و پراکنش شهری در سه نمونه الگوی رشد شهری منبع: مبارکی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹

در زمینه انتخاب اراضی مناسب جهت توسعه شهری مطالعات مختلفی صورت گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از:

محمد محمود و محی (۲۰۰۶) در مقاله‌ای یکپارچه‌سازی GIS و AHP برای تجزیه و تحلیل اراضی مناسب برای توسعه شهری در شهرهای ثانویه در بنگلادش پرداخته‌اند و در نهایت یک چارچوب برای یکپارچه‌سازی نقاط قوت GIS و AHP به عنوان سمبل برای اولویت‌بندی زمین‌های مناسب برای توسعه شهری در شهرهای ثانویه بنگلادش ارائه دادند. دلیک هودالاه (۲۰۱۰) زمینه‌ها، دیدگاه‌ها و ظرفیت‌های بنیادی برنامه‌ریزی پیراشهری در اندونزی را مطالعه کرده است. وی تغییرات سریع و پیش‌بینی نشده، جدایی فضایی و اجتماعی و چندپارگی سازمانی (نیروهای چندگانه نهادی) را چالش‌های اصلی عرصه‌های پیراشهری در آسیای شرقی دانسته است. در نتیجه، توسعه چارچوب ظرفیت‌ساز نهادی براساس رهیافت‌های شبکه‌ای، گفتمانی و فرصت‌های موجود، برای مقابله با نهاد‌های رسمی غیر پاسخگو و بهبود حکمروایی در عرصه‌های پیراشهری را لازمه برنامه‌ریزی برای رفع چالش‌ها در این عرصه‌ها می‌داند. پارک و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به مقایسه شاخص‌های مناسب زمین برای توسعه شهری پرداختند. در این تحقیق که با استفاده از روش‌های رگرسیون لجستیک (RL) و فرایند تحلیلی سلسله مراتبی (AHP) به بررسی اراضی مناسب توسعه شهری پرداخته شده است، از لایه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، توپوگرافی و جغرافیایی جهت پیش‌بینی تغییرات کاربری اراضی مانند ارتفاع، شیب، فاصله از جاده و مناطق شهری، استفاده شده و در نهایت مشخص شد که در کره جنوبی روش‌های AHP و RL به ترتیب نقشه‌های مشابهی برای شاخص تناسب اراضی تولید می‌کنند. آمونتنگ^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به مدیریت توسعه فیزیکی در مناطق شهری کابووا کشور غنا پرداختند و مناطق مناسب جهت توسعه شهری را

مشخص کردند و همچنین هلن^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله ای به استفاده از زمین و تغییرات ساختاری فیزیکی در موبونگ پرداختند و توصیه می کنند که تلاش های بیشتری در تشویق تغییرات استفاده از زمین که شامل همه جوانب در جامعه می شود، انجام شود و استفاده بیشتر از زمین، مانند فضاهای باز، باید در محدوده مورد مطالعه تشویق شود.

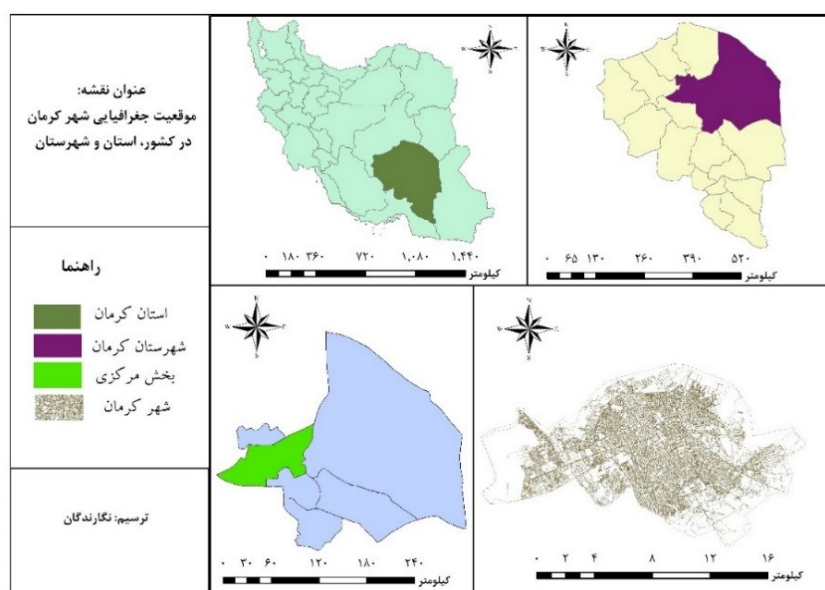
در ایران عزیزی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله ای طی رویکرد ارزیابی چند معیاره با استفاده از روش ترکیب خطی وزن دار و در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی به ارزیابی توان اکولوژیکی حاشیه شهر تبریز برای توسعه کالبدی بر پایه مشاهدات محیطی (طبیعی و انسانی) پرداخته اند. در پایان نقشه نهایی نواحی مناسب برای توسعه کالبدی شهر در محدوده مذکور تهیه شده است. امانپور و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله ای به مکانیابی جهات بهینه توسعه فیزیکی شهر اردبیل با استفاده از مدل AHP پرداخته اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که جهات شرقی شهر اردبیل نسبت به سایر جهات مناسب ترین جهت برای توسعه فیزیکی احتمالی خواهد بود. توپوگرافی مناسب، دوری از خط گسل اصلی و شیب مناسب زمین از عوامل اصلی انتخاب جهت شرقی برای توسعه فیزیکی برای شهر اردبیل بودند. صدوق و فهیم (۱۳۹۳) در مقاله ای به بررسی محدودیت های ژئومورفولوژیک و رشد فیزیکی شهر تویسرکان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی پرداخته اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که شهر تویسرکان محدودیت های فیزیوگرافیک از یک سو و از سوی دیگر با هدف حفظ اراضی کشاورزی و باغی، از محدودیت توسعه برخوردار است. خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای به ارزیابی و مکانیابی بهینه جهات های توسعه کالبدی- فضایی شهر بوکان پرداخته اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که رشد کالبدی- فضایی شهر بوکان در چند دهه اخیر برنامه ریزی شده نبوده و رشد پراکنده ای را تجربه کرده است. نتایج بعدی این پژوهش نشان می دهد که مناسب ترین اراضی برای رشد کالبدی شهر بوکان، در سمت شرقی و محور جاده بوکان- شاهین دژ واقع شده است. قنبرزده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای به مکان یابی مناطق بهینه توسعه ی فیزیکی شهر سبزوار بر مبنای شاخص های محیطی پرداختند. ابزار اصلی این تحقیق سامانه اطلاعات جغرافیایی در قالب نرم افزار Arc GIS می باشد. با همپوشانی لایه های اطلاعاتی و نقشه ها (توپوگرافی، شیب، ارتفاع، خاک، کاربری اراضی، فاصله از گسل، آبهای زیر زمینی و...) در محیط GIS، محدوده بهینه ی توسعه ی فیزیکی سبزوار مشخص گردید. وجود مسیل ها و کال هایی که در محدوده شهر قرار دارد و وقوع سیلاب، خطر آب گرفتگی مناطق مسکونی در جنوب سبزوار را تهدید میکند. سفره های آب زیرزمینی در بخش جنوبی شهر در مسیر توسعه محدودیت هایی را به دنبال داشته که فقط می توان منطقه شمال و شمال شرق شهر سبزوار را به عنوان بهترین گزینه توسعه شهر در نظر گرفت. نامی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای به ارزیابی توان محیطی شهرستان پارس آبادمغان جهت توسعه شهری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است از مجموع مساحت شهرستان پارس آباد، (۶۲۳۸ / ۲۸۹۶) هکتار به کاربری مناسب، (۱۸۱۴۶ / ۵۰۸۳) هکتار به کاربری متوسط و (۱۱۰۱۲۱ / ۰۶۷) هکتار به کاربری نامناسب توسعه

ی شهری اختصاص یافته است. اراضی مناسب و متوسط کاربری توسعه شهری بیشتر در بخش شمالی واقع شده اند که در حال حاضر نیز پراکنش فضایی مراکز جمعیتی پارس آباد در این نواحی است و از مهم ترین دلایل آن می توان به هم جوارگی با رودخانه ارس، شیب کم و نزدیکی به مناطق مسکونی اشاره کرد. ارمحمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله ای به ارزیابی توان اکولوژیکی جهت توسعه شهر اردبیل با استفاده از مدل های تصمیم گیری چند معیاره پرداختند. نتایج تحقیق نشان می دهد که در هر دو روش (فازی و تاکسونومی) قسمت های شمالی استان جز مناطق مناسب تا خیلی مناسب، قسمت های جنوبی متوسط نامناسب، بخش هایی از قسمت های شرقی متوسط تا مناسب و قسمت های غربی نامناسب می باشند. براساس یافته ها مناطق خیلی مناسب ۱۲/۲۴ درصد، مناسب ۱۸/۲۷ درصد، متوسط ۲۰/۴۰ درصد، نامناسب ۲۵/۱۳ درصد، خیلی نامناسب ۲۳/۹۶ درصد استان را شامل می شود. بنابراین این مطالعه با هدف تعیین اراضی بالقوه جهت توسعه شهر کرمان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و شناخت و بررسی محدودیت های توسعه فیزیکی شهر کرمان می باشد. در پژوهش حاضر از روش FAHP و مدل بولین استفاده شده است.

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

شهر کرمان در گستره ای به مختصات ۵۰ و ۵۷ درجه طول شمالی و ۱۷ و ۳۰ درجه عرض شمالی قرار دارد. اگرچه شهر کرمان در نیمکره شمالی قرار دارد ولی مختصات هندسی این شهر تنها عامل تعیین کننده اقلیم آن نبوده بلکه عوامل دیگری چون ارتفاع از سطح دریا، چین خوردگی ها و فاصله آن با رودها و همچنین وزش بادهای و توده های هوا تأثیرات بسیار مهمی بر این امر دارند. کرمان از لحاظ اقلیمی دارای تابستان های گرم و خشک و زمستان های بسیار سرد می باشد (نظری علم آبادی، ۱۳۸۷: ۵).



شکل (۲). موقعیت جغرافیایی شهر کرمان در کشور و استان

داده و روش کار

این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه تحلیل تناسب زمین برای توسعه شهری و شناسایی اراضی مناسب برای توسعه کالبدی آن، از نظر هدف تحقیقی کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی، تحلیلی می باشد. گردآوری اطلاعات و داده های مورد نظر از طریق روش کتابخانه ای، مراجعه به سازمان ها و ادارات، سایت های اینترنتی و مشاهدات میدانی انجام گرفته است. برای ایجاد لایه و اطلاعات مورد نیاز جهت انجام تحقیق از نقشه ها، تصاویر ماهواره ای و داده های مختلف استفاده شده است.

در گام بعد با بررسی مهمترین منابع موجود در رابطه با اراضی مناسب جهت توسعه شهری، شاخص های تأثیرگذار در این رابطه استخراج شده و از طریق مصاحبه با خبرگان مهمترین شاخص های تأثیرگذار شناسایی شده و در نهایت با توجه به شرایط طبیعی و انسانی شهر کرمان، ۹ شاخص انتخاب شد که شامل قابلیت اراضی، توپوگرافی (سطوح ارتفاعی) (شیب، فاصله از شبکه ارتباطی، فاصله از گسل، فاصله از گورستان، فاصله از رودخانه، فاصله از نقاط روستایی اطراف شهر و زمین شناسی می باشد. به منظور تهیه این لایه ها ابتدا تمامی نقشه ها و تصاویر به محیط Arc GIS 10.2 وارد شده سپس با سیستم زمین مرجع همسان (UTM: WGS1984, Zone 40N)، مقیاس مشترک، cellsize یکسان در محیط GIS آماده جهت پردازش و ارزیابی قرار گرفته اند و در نهایت برای لحاظ کردن میزان اهمیت هر شاخص ها، از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی استفاده شده و در تلفیق نهایی نقشه ها، این وزن ها اعمال گردیده است.

در سال ۱۹۸۳، دو محقق هلندی به نام های لارهون و پدریک، روشی را برای فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی پیشنهاد نمودند که بر اساس روش حداقل مجذورات لگاریتمی بود. پیچیدگی مراحل این روش باعث شد این روش چندان مورد استفاده قرار نگیرد. در سال ۱۹۹۶، روش دیگری با عنوان «روش تحلیل توسعه ای» توسط چانگ ارائه شد (بیمال^۱، ۲۰۱۰: ۶۷۷۵). اعداد مورد استفاده در این روش، اعداد مثلثی فازی هستند؛ یعنی ارجحیت زبانی با اعداد فازی مثلثی در ماتریس مقایسات زوجی وارد می شود (کیلینسی و اونال^۲، ۲۰۱۱: ۹۶۶۴). مفاهیم و تعاریف فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی، بر اساس روش تحلیل توسعه ای به صورت زیر هستند:

مرحله ۱. ترسیم درخت سلسله مراتبی: در این مرحله ساختار سلسله مراتب تصمیم را با استفاده از سطوح هدف، معیار و گزینه ترسیم می شود.

مرحله ۲. تشکیل ماتریس مقایسات زوجی: با استفاده از نظر تصمیم گیرنده، ماتریس مقایسات با بهره گیری از اعداد فازی مثلثی $\tilde{t}_{ij} = (a_{ij}, b_{ij}, c_{ij})$ را بر اساس نظرات چندین تصمیم گیرنده تشکیل می شود.

مرحله ۳. میانگین حسابی نظرات: میانگین حسابی نظرات تصمیم گیرندگان را به صورت رابطه (۱) محاسبه می شود: رابطه (۱).

$$\bar{A} = \begin{bmatrix} (1, 1, 1) & \tilde{a}_{12} & \tilde{a}_{1n} \\ \tilde{a}_{21} & (1, 1, 1) & \tilde{a}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ \tilde{a}_{n1} & \tilde{a}_{n2} & (1, 1, 1) \end{bmatrix}$$

1 - Bimal

2 - Kilinceci and Onal

میانگین حسابی نظرات تصمیم‌گیرندگان

رابطه (۲).

$$\tilde{a}_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^{p_{ij}} a_{ijk}}{p_{ij}} \quad i, j = 1, 2, \dots, n$$

مرحله ۴. محاسبه مجموع عناصر سطر: مجموع عناصر سطرها را محاسبه می‌شود (رابطه ۳):

رابطه (۳).

$$\tilde{s}_i = \sum_{j=1}^n \tilde{a}_{ij} \quad i = 1, 2, \dots, n$$

مرحله ۵. نرمالایز کردن: مجموع سطرها را به شیوه رابطه (۴) نرمالایز می‌شود.

رابطه (۴).

$$\tilde{M}_i = \tilde{s}_i \otimes \left[\sum_{i=1}^n \tilde{s}_i \right]^{-1} \quad i = 1, 2, \dots, n$$

در صورتی که \tilde{s}_i را به صورت (l_i, m_i, u_i) نشان دهیم رابط فوق طبق رابطه (۵) محاسبه می‌شود.

رابطه (۵).

$$\tilde{M}_i = \left(\frac{l_i}{\sum_{i=1}^n u_i}, \frac{m_i}{\sum_{i=1}^n m_i}, \frac{u_i}{\sum_{i=1}^n l_i} \right)$$

مرحله ۶. تعیین درجه احتمال بزرگتر بودن: درجه احتمال بزرگتر بودن هر i را نسبت به سایر μ_i ها محاسبه و آن را $d'(A_i)$ می‌نامیم.

درجه احتمال بزرگتر بودن عدد مثلثی فازی $\mu_2=(l_2, m_2, u_2)$ نسبت به عدد مثلثی فازی $\mu_1=(l_1, m_1, u_1)$ برابر است با رابطه (۶):

$$V(M_2 \geq M_1) = \text{Sub}_{\mu_1, \mu_2} [\min(\mu_1(x), \mu_2(v))] \quad \text{رابطه (۶)}$$

این رابطه را می‌توان مترادفاً به صورت زیر بیان کرد:

برای مقایسه M_2 و M_1 محاسبه هر دو مقدار $V(M_2 \geq M_1)$, $V(M_1 \geq M_2)$ ضروری است. درجه احتمال بزرگتر بودن یک عدد فازی محدب (M) از K عدد فازی محدب دیگر (M_i ; $i = 1, 2, \dots, k$) به صورت روابط (۷ تا ۹) تفکیک می‌شود:

مرحله ۷. نرمالایز کردن: با نرمالایز کردن بردار وزن‌ها، وزن‌های نرمالایز از رابطه (۷) به دست می‌آیند.

رابطه (۷):

$$w = \left[\frac{d'(A_1)}{\sum_{i=1}^n d'(A_i)}, \frac{d'(A_2)}{\sum_{i=1}^n d'(A_i)}, \dots, \frac{d'(A_n)}{\sum_{i=1}^n d'(A_i)} \right]^T$$

وزن‌های فوق، وزن قطعی (غیر فازی) هستند. با تکرار این فرایند، اوزان تمامی ماتریس‌ها به دست می‌آید.

مرحله ۸. ترکیب اوزان: با ترکیب وزن‌های گزینه و معیارها، وزن‌های نهایی از رابطه (۸) به دست می‌آید.
رابطه (۸):

$$U_i = \sum_{j=1}^n \tilde{w}_i \tilde{r}_{ij} \quad \forall i$$

سپس با استفاده از روش منطق بولین، مناطق دارای محدودیت توسعه شناسایی شد؛ علت استفاده از منطق بولین ماهیت این روش می‌باشد که خروجی آن نقشه‌ای با ارزش صفر و یک تولید می‌کند. مناطقی که ارزش صفر برای آن‌ها حاصل می‌شود در واقع نمایانگر پهنه‌هایی است که اصلاً برای ساخت و ساز و توسعه شهری مناسب نیست؛ و برعکس مناطق با ارزش یک نمایانگر پهنه‌هایی می‌باشد که برای توسعه شهری مناسب می‌باشند. در پایان نیز با تلفیق نتایج حاصل از مدل فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی و منطق بولین، اراضی مناسب جهت توسعه شهر کرمان شناسایی شد.

نتایج

تعیین اراضی مناسب جهت توسعه آتی شهر کرمان با استفاده از مدل FAHP

متغیرها و معیارهای ارزیابی

در انتخاب معیارهای ارزیابی قاعده عمومی بر این است که این معیارها را باید در ارتباط با وضعیت مسئله تعیین کرد. واضح است که مجموعه معیارها به سامانه خاص مورد تحلیل وابسته است. به عبارت دیگر مجموعه‌ای از معیارهای ارزیابی به تبع یک مسئله خاص تعیین می‌شوند و تعداد معیارهای ارزیابی به خصوصیات مسئله تصمیم‌گیری بستگی دارد. همچنین مجموعه‌ای از معیارهای ارزیابی برای یک مسئله تصمیم‌گیری خاص، ممکن است از طریق بررسی ادبیات مربوطه، مطالعات تحلیلی و پیمایش عقاید و آرای افراد حاصل شده باشد (مالچفسکی، ۱۳۸۵: ۱۹۵). برای تعیین اراضی مناسب جهت توسعه آتی شهر کرمان پس از مشورت با کارشناسان، متغیرها و معیارهای زیر در نظر گرفته شده است:

۱- قابلیت اراضی ۲- توپوگرافی (سطوح ارتفاعی) ۳- شیب ۴- فاصله از شبکه ارتباطی ۵- فاصله از گسل ۶- فاصله از گورستان ۷- فاصله از رودخانه ۸- فاصله از نقاط روستایی اطراف شهر ۹- زمین‌شناسی.

ورود متغیرها و معیارها و معیارها به سیستم اطلاعات جغرافیایی

این مرحله فرایندی است که شامل اخذ داده، تغییرات فرمت، زمین مرجع نمودن، تنظیم کردن و مستندسازی داده‌ها است.

تهیه لایه‌های اطلاعاتی

در این مرحله با توجه به داده‌های موجود، لایه‌های اطلاعاتی جدیدی مانند فاصله از شبکه‌های ارتباطی، فاصله از رودخانه، فاصله از گسل و ... تهیه می‌شود. همچنین تبدیل نقشه وکتوری کاربری اراضی به نقشه رستری در این مرحله صورت می‌گیرد.

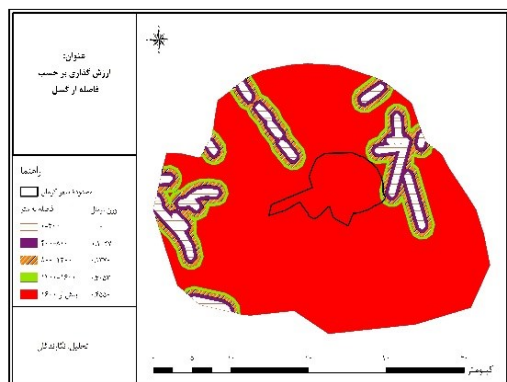
با ضریب ۰/۰۲۰۰ کمترین ضریب را به دست آورده است.

جدول (۳). وزن نهایی معیارها و زیر معیارها در مدل AHP Fuzzy

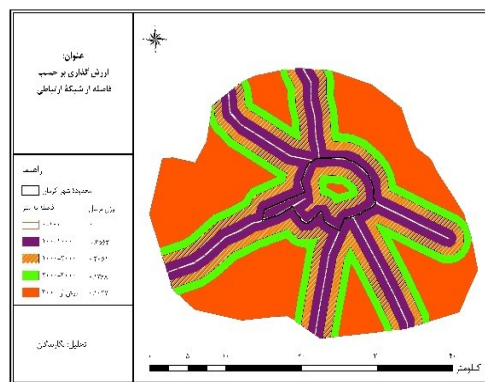
وزن زیر معیار	زیرمعیار	وزن	معیار	وزن زیرمعیار	زیرمعیار	وزن	معیار
۰	۴۰۰-۰	۰,۰۵۳۲	فاصله از گسل	۰	۱۰۰-۰	۰,۱۱۹۴	فاصله از شبکه ارتباطی
۰,۱۰۲۷	۸۰۰-۴۰۰			۰,۴۵۵۳	۱۰۰۰-۱۰۰		
۰,۱۳۷۰	۱۲۰۰-۸۰۰			۰,۳۰۵۱	۲۰۰۰-۱۰۰۰		
۰,۳۰۵۳	۱۶۰۰-۱۲۰۰			۰,۱۳۶۸	۳۰۰۰-۲۰۰۰		
۰,۴۵۵۰	۱۶۰۰<			۰,۱۰۲۷	۳۰۰۰<		
۰	۵۰۰-۰	۰,۰۳۳۸	فاصله از رودخانه	۰	۵۰۰-۰	۰,۰۲۱۵	گورستان
۰,۴۵۵۳	۱۰۰۰-۵۰۰			۰,۱۰۲۷	۱۰۰۰-۵۰۰		
۰,۳۰۵۱	۱۵۰۰-۱۰۰۰			۰,۱۳۷۰	۱۵۰۰-۱۰۰۰		
۰,۱۳۶۸	۲۰۰۰-۱۵۰۰			۰,۳۰۵۳	۲۰۰۰-۱۵۰۰		
۰,۱۰۲۷	<۲۰۰۰			۰,۴۵۵۰	۲۰۰۰<		
۰,۳۷۰۸	۵۰-۰	۰,۰۸۷۹	شیب	۰,۰۹۴۳	۵۰۰-۰	۰,۰۲۰۰	فاصله از نقاط روستایی
۰,۲۸۳۶	۱۰-۵			۰,۱۱۸۳	۱۰۰۰-۵۰۰		
۰,۱۳۳۸	۱۵-۱۰			۰,۱۳۹۷	۱۵۰۰-۱۰۰۰		
۰,۱۲۲۴	۲۰-۱۵			۰,۲۶۶۶	۲۰۰۰-۱۵۰۰		
۰,۰۸۹۴	۲۰<			۰,۳۸۱۰	۳۰۰۰<		
۰,۶۱۹۸	طبقه خوب	۰,۲۱۹۱	زمین‌شناسی	۰,۳۷۰۸	۱۷۵۰	۰,۲۱۲۶	توپوگرافی
۰,۳۲۴۴	متوسط			۰,۲۸۳۶	۱۸۰۰		
۰,۰۵۵۸	ضعیف			۰,۱۳۳۸	۱۸۵۰		
				۰,۱۲۲۴	۱۹۰۰		
				۰,۸۹۴	<۱۹۰۰		
۰,۶۲۳۵	اراضی بایر			۰,۲۶۶۳		قابلیت اراضی	
۰,۳۷۴۷	اراضی کشاورزی						
۰	اراضی ساخته شده						

پس از مشخص شدن وزن معیارها و زیر معیارها، این وزن‌ها را وارد جداول اطلاعاتی لایه‌های اطلاعاتی می‌شود و نقشه‌های مورد نظر را از طریق این جداول اطلاعاتی تهیه می‌شود. به عبارت دیگر با تعیین وزن معیارها و زیرمعیارها، لازم است که هر معیار به صورت یک لایه نقشه در پایگاه داده‌های مبتنی بر GIS نشان داده شود. از لایه‌هایی که معرف معیارهای ارزیابی هستند، تحت عنوان نقشه‌های معیار یاد خواهد شد. نقشه‌های معیار بیانگر توزیع فضایی صفاتی است که بر پایه آن صفات، درجه دستیابی به اهداف ملازم با آن اندازه‌گیری می‌شود. در

اشکال (۳ و ۴) دو نقشه معیار به عنوان نمونه نمایش داده شده است.



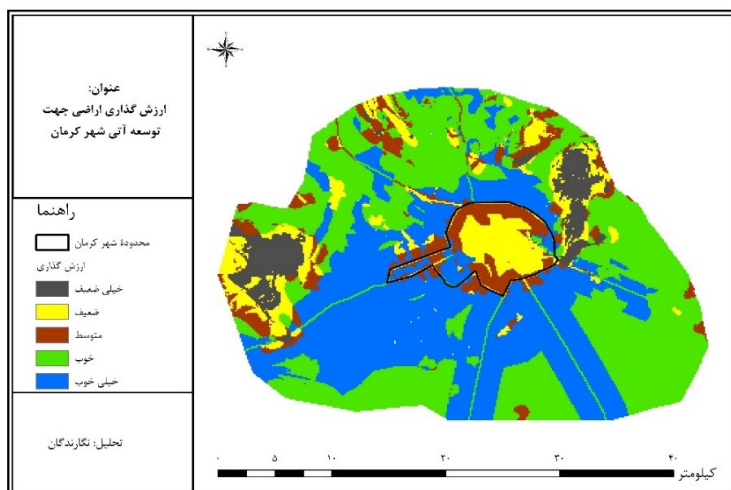
شکل (۴). ارزش گذاری برحسب فاصله از گسل



شکل (۳). ارزش گذاری برحسب فاصله از شبکه ارتباطی

ترکیب لایه‌های اطلاعاتی و تولید نقشه حاصل از مدل FAHP

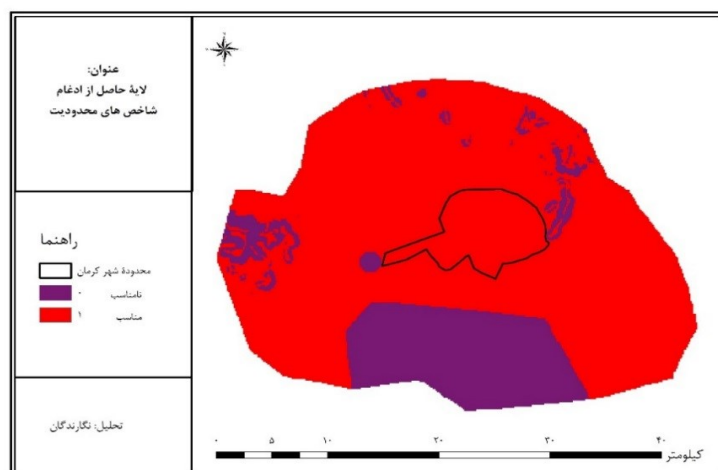
پس از تعیین معیارهای مؤثر در مکانیابی و شناسایی وزن آن‌ها، باید این لایه‌های اطلاعاتی را با استفاده از یک روش مناسب با هم تلفیق کرد. در این تحقیق، جهت ترکیب لایه‌های اطلاعاتی با هم از روش Raster Calculate در محیط GIS استفاده شده است. بر این اساس و با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، لایه‌های اطلاعاتی جمع آوری شده با یکدیگر ترکیب شده و با توجه به امتیاز و ارزش گذاری لایه‌های اطلاعاتی، نقشه ارزش گذاری اراضی شهری جهت توسعه آتی شهر کرمان با استفاده از مدل FAHP تهیه می‌شود که نتایج آن در شکل (۵) نشان داده شده است. اراضی شهر کرمان جهت توسعه آتی شهر در ۵ طبقه از خیلی ضعیف تا خیلی خوب دسته‌بندی شده است.



شکل (۵). ارزش گذاری نهایی جهت توسعه آتی شهر کرمان

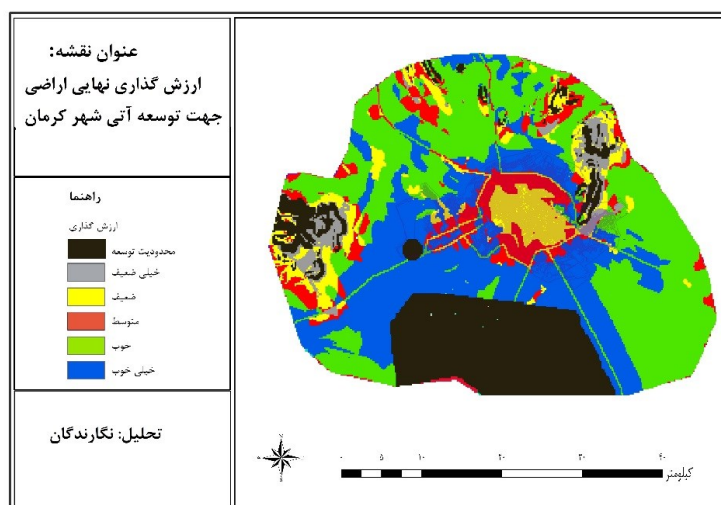
اعمال لایه محدودیت توسعه شهر

در مرحله قبل، برای شناسایی اراضی مناسب جهت توسعه شهر کرمان از روش سلسله مراتبی فازی استفاده شد. در عالم واقع هرچند ضعیف بودن یک نقطه جغرافیایی در یکی از معیارها برای استقرار یک کاربری خاص تا حدی قابل جبران توسط سایر معیارها است، اما این قاعده به صورت مطلق جاری نیست. توضیح آنکه اگر آن نقطه در زمینه یکی از معیارها بیش از حد معینی ضعیف باشد، دیگر بالا بودن امتیاز سایر معیارها هم نمی تواند آن نقیصه را جبران کند. به عنوان مثال چنانچه درصد شیب از حد معینی (مثلاً ۱۵ درصد) بالاتر رود، حتی اگر سایر معیارها در مطلوب ترین وضعیت باشند، آن نقطه برای کاربری شهری کاملاً نامناسب تشخیص داده شده و از دایره بررسی حذف می گردد. بدین منظور برای هر معیار، حدی را تعیین می شود که چنانچه امتیاز یک نقطه در یکی از معیارها از آن حد فراتر رود، آن نقطه بدون در نظر گرفتن امتیاز سایر معیارها به عنوان کاملاً نامناسب معرفی شود. این حدود را محدودیت های معیارها می نامیم. برای این کار بر اساس منطق بولین، در هریک از لایه های رقومی که معرف یکی از معیارها است، نقاط فراتر از حد محدودیت را با صفر و نقاط بدون محدودیت را با یک نشان می دهیم. از حاصل ضرب لایه های محدودیت بر یکدیگر (در اینجا لایه سطح آب های زیرزمین، فاصله یک کیلومتری از فرودگاه و شیب بیشتر از ۱۵ درصد به عنوان لایه محدودیت در نظر گرفته شده است)، لایه نهایی محدودیت به دست می آید (شکل ۶).



شکل (۶): لایه حاصل از ادغام شاخص های محدودیت

در نهایت از ضرب کردن لایه محدودیت در لایه خروجی مرحله قبل (نقشه حاصل از مدل FAHP)، نقشه نهایی اراضی مناسب برای توسعه شهری به دست آمد (شکل ۷). بر این اساس می توان گفت که اراضی مناسب جهت توسعه آتی شهر کرمان عمدتاً در جنوب، جنوب غرب، شمال و شمال غرب شهر کرمان قرار گرفته اند و این اراضی از موقعیت بهتری جهت گسترش آینده شهر نسبت به سایر بخش ها برخوردار می باشند.



شکل (۷). شکل نهایی اراضی مناسب جهت توسعه شهری

با توجه به آمار سال ۱۳۹۰، تراکم نسبی جمعیت در شهر کرمان ۵۱/۶۶ نفر در هکتار بوده است. این تراکم جمعیت برای شهر کرمان، تراکم خیلی کمی است و دلیل اصلی آن وجود زمین‌های بایر و پایین بودن متوسط طبقه‌های ارتفاعی است. شهر کرمان برای برآورده کردن نیازهای شهری خود تا سال ۱۴۰۰ با توجه به برآورد جمعیتی آن با رشد ۰/۷۳، جمعیت شهر کرمان به ۵۷۴۷۶۲ خواهد رسید. چنانچه روند گسترش فیزیکی شهر، ادامه روند فعلی باشد، باعث گسترده‌تری بیش از حد شهر و ناکارآمدی‌های کارکردی - خدماتی آن خواهد شد. بنابراین با برنامه‌ریزی به‌منظور استفاده بهینه از اراضی خالی و نامتعارف موجود، می‌توان بخشی از این نیاز را، از طریق استفاده از زمین‌های بایر داخل بافت‌های شهری تأمین کرد. درعین حال اگر به تراکم ساختمانی شهر افزوده شود (رشد هوشمند)، قطعاً این نیاز به نسبت زیادتری، باز هم تقلیل خواهد یافت.

چنانچه الگوی اول به‌صورت کامل محقق نشود و باز هم به فضاهای جدید شهری نیاز باشد، الگوی گسترش پیوسته می‌تواند به‌عنوان راه‌حل علمی و بهینه برای تراکم مطلوب و جلوگیری از گسترده‌گی بی‌قواره شهر انتخاب گردد. این الگو می‌تواند از نظر انطباق با ساختار فضایی منطقه و کمک به عدم تخریب اراضی کشاورزی مرغوب اطراف شهر، مؤثر واقع گردد. لذا بر این اساس، الگوی گسترش پیوسته قطاعی می‌تواند به‌عنوان گزینه مطلوب گسترش آبی در نظر گرفته شود. در این الگو، گسترش شهر کلاً به‌صورت متصل و شعاعی در قسمت‌های شمال و شمال غرب و تا حدود در جنوب و جنوب غرب شهر به‌خاطر نبود موانع طبیعی و کارکردی در مقایسه با سایر قسمت‌ها و به‌منظور جلوگیری از گسترش شهر به شکلی خطی، پیشنهاد می‌شود. مهمترین عملکرد این الگو ارائه پاسخ منطقه‌ای به نیازهای سکونتی شهر در کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. گرچه این الگو نمی‌تواند به‌طور قاطع باعث جلوگیری از نابودی بخشی از اراضی مرغوب کشاورزی و ایجاد کالبد منسجم برای شهر کرمان گردد، باین‌همه ضروری است که الگوی گسترش پیوسته قطاعی در حد ضرورت، نیازهای فوری و ظرفیت اراضی قابل رشد شهر را تعدیل کند.

نتیجه گیری

امروزه به دلیل اهمیت توسعه پایدار، مطالعات آمایش سرزمین در هر منطقه امری ضروری و حیاتی محسوب می‌شود. یکی از مراحل اصلی آمایش، تعیین توان اراضی جهت توسعه شهرهاست. در این پژوهش برای تعیین اراضی بالقوه برای توسعه شهر کرمان از مدل AHP فازی و منطق بولین استفاده شد. بدین منظور از معیارهایی چون قابلیت اراضی، توپوگرافی (سطوح ارتفاعی) شیب، فاصله از شبکه ارتباطی، فاصله از گسل، فاصله از گورستان، فاصله از رودخانه، فاصله از نقاط روستایی اطراف شهر و زمین‌شناسی استفاده گردید.

پس از مشخص شدن وزن معیارها و زیر معیارها توسط مدل FAHP، این وزن‌ها را وارد جداول اطلاعاتی لایه‌های اطلاعاتی شده و نقشه‌های مورد نظر را از طریق این جداول اطلاعاتی تهیه شد. در مرحله بعد باید این لایه‌های اطلاعاتی را با استفاده از یک روش مناسب با هم تلفیق می‌شدند که در این تحقیق، جهت ترکیب لایه‌های اطلاعاتی با هم از روش Raster Calculate در محیط GIS استفاده شد. در نهایت از ضرب کردن لایه محدودیت در لایه خروجی مرحله قبل (نقشه حاصل از مدل FAHP)، نقشه نهایی اراضی مناسب برای توسعه شهری به دست آمد.

با توجه به نتایج حاصل تلفیق مدل AHP فازی و منطق بولین می‌توان گفت که اراضی مناسب جهت توسعه آتی شهر کرمان عمدتاً در جنوب، جنوب غرب، شمال و شمال غرب شهر کرمان، قرار گرفته‌اند و این اراضی از موقعیت بهتری جهت گسترش آینده شهر نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار می‌باشند.

الگوی پیشنهادی برای توسعه آینده شهر کرمان، استفاده بهینه از اراضی خالی و نامتعارف موجود در زمین‌های بایر داخل بافت‌های شهری می‌باشد. در عین حال اگر به تراکم ساختمانی شهر افزوده شود (رشد هوشمند)، قطعاً این نیاز به نسبت زیادتری، باز هم تقلیل خواهد یافت. چنانچه الگوی اول به صورت کامل محقق نشود و باز هم به فضاهای جدید شهری نیاز باشد، الگوی گسترش پیوسته می‌تواند به عنوان راه حل علمی و بهینه برای تراکم مطلوب و جلوگیری از گسترده بی‌قواره شهر انتخاب گردد. این الگو می‌تواند از نظر انطباق با ساختار فضایی منطقه و کمک به عدم تخریب اراضی کشاورزی مرغوب اطراف شهر، مؤثر واقع گردد. لذا بر این اساس، الگوی گسترش پیوسته قطاعی می‌تواند به عنوان گزینه مطلوب گسترش آتی در نظر گرفته شود. در این الگو، گسترش شهر کلاً به صورت متصل و شعاعی در قسمت‌های شمال و شمال غرب و تا حدود در جنوب و جنوب غرب شهر به خاطر نبود موانع طبیعی و کارکردی در مقایسه با سایر قسمت‌ها و به منظور جلوگیری از گسترش شهر به شکلی خطی، پیشنهاد می‌شود. بنابراین با توجه به نتایج حاصل باید از الگوی گسترش متمرکز درون بافتی فشرده در چارچوب رشد هوشمند و در عین حال الگوی پیوسته قطاعی با توسعه سیستم شبکه ارتباطی متقاطع و مورب بهره گرفت تا رشد کالبدی شهر روندی معقولانه تر را طی نماید. لازم به ذکر است که نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعات دلیک هودالاه (۲۰۱۰)، آمو تنگ و همکاران (۲۰۱۳)، امانپور و همکاران (۱۳۹۲)، صدوق و فهیم (۱۳۹۳)، خاکپور و همکاران (۱۳۹۴)، قنبرزده و همکاران (۱۳۹۶)، نامی و همکاران (۱۳۹۶) و ارمحمدی و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

منابع

- احدنژاد روشنی، حسینی، سید احمد (۱۳۹۰)، ارزیابی و پیش‌بینی تغییرات و پراکنش افقی شهرها با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای چند زمانه و سیستم اطلاعات جغرافیایی (نمونه موردی: شهر تبریز در مقطع زمانی ۱۳۸۹-۱۳۶۳)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۴): ۲۰-۱.
- امانپور، سعید؛ علیزاده، هادی؛ قراری، حسن (۱۳۹۲)، تحلیلی بر مکانیابی جهات بهینه توسعه فیزیکی شهر اردبیل با استفاده از مدل AHP، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳(۱۰): ۸۳-۹۶.
- بمانیان، محمدرضا و هادی، محمودی نژاد (۱۳۸۷)، نظریه‌های توسعه کالبدی شهر تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- تقوایی، مسعود؛ قیومی محمدی، حمید و نصیری، یوسف (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی توسعه فیزیکی شهر اقلید با استفاده از روش AHP، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۸(۳): ۳۱-۵۲.
- ثروتی، محمدرضا. (۱۳۸۳). تنگناهای طبیعی توسعه شهر لار (جنوب استان فارس). جغرافیایی سرزمین، ۱(شماره ۴ (پیاپی ۴)): ۲۲-۳.
- جوزی، سید علی (۱۳۸۸)، طراحی مدل نوین ارزیابی توان اکولوژیک سرزمین ایران به منظور استقرار کاربری توسعه شهری و خدماتی (منطقه ۲۲ شهر تهران)، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۱(۴): ۱۲۷-۱۲۸.
- حسینیون، سولماز. (۱۳۸۵). شهر فشرده، شهر فردا. مجله شهرداری ها، ماهنامه پژوهشی، آموزشی و اطلاع رسانی، برنامه ریزی و مدیریت شهری، ۶(۷۳): ۲۹-۱۴.
- حمزه، محمدعلی؛ میرزائی، محمد و مظفری، حسین (۱۳۸۸)، بررسی تغییرات غلظت سرب، روی، مس و کادمیوم در محیط زیست شهری کرمان، علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۱(۳): ۱۶۱-۱۷۷.
- خاک پور، براتعلی؛ معروفی ایوب، شریفی بایزید، احمدتوزه واحد و سلیمانی هادی (۱۳۹۴). ارزیابی و مکان‌یابی بهینه جهات‌های توسعه فضایی-کالبدی شهر بوکان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷(۱): ۴۷-۶۲.
- رهنما، محمدرحیم؛ عباس زادگان، غلامرضا. (۱۳۸۷). اصول، مبانی و مدل های سنجش فرم کالبدی شهر، نشر جهاد دانشگاهی مشهد.
- سرور، هوشنگ؛ منصور، خیری‌زاده آروق؛ منیژه، لاله‌پور (۱۳۹۳)، نقش عوامل محیطی در امکان‌سنجی توسعه فیزیکی بهینه شهر ملکان، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۱۸): ۹۵-۱۴۴.
- سلاورزی زاده، محمد. محمدی، جمال و کبودی، عبدالله. (۱۳۹۳). پهنه‌بندی کاربری توسعه شهری با استفاده از منطق فازی (fuzzy) در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) (مطالعه موردی: گرگان، گنبد و علی‌آباد). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۶(۴): ۸۰۹-۸۲۳.
- شمسی‌پور، علی‌اکبر و شیخی، محمد (۱۳۸۹)، پهنه‌بندی مناطق حساس و آسیب‌پذیر محیطی در ناحیه غرب فارس با روش طبقه‌بندی فازی و فرایند تحلیل سلسله مراتبی، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، ۴۳(۷۳): ۵۳-۶۸.
- صدوق سید حسن و فهیم علی (۱۳۹۳). محدودیت‌های ژئومورفولوژیک و رشد فیزیکی شهر تویسرکان با استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و مدل رقومی ارتفاعی (DEM)، فصل‌نامه آمایش محیط، ۷(۲۷): ۱۴۴-۱۲۱.

طرح جامع شهر کرمان (۱۳۷۹)، مهندسین مشاور شارستان.
 علمی زاده، هیوا (۱۳۸۸)، کاربرد ژئومرفولوژی در توسعه و محدودیت شهر کرج، فصلنامه سپهر، ۱۸(۷۱): ۶۷-۶۳.

فردوسی، بهرام (۱۳۸۴)، امکان‌سنجی و کاربرد سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری در توسعه فیزیکی شهر، نمونه موردی سندانج، پایان‌نامه ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

قرخلونره، مهدی؛ حسام، مهدی؛ عبدالمجید، قرنچیک (۱۳۸۹) «تعیین جهات توسعه فیزیکی شهر گرگان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی»، فصلنامه نماد گلستان، ۱۴: ۷۵-۸۰.

قنبرزاده دربان، هادی، امیراحمدی، ابوالقاسم، پورهاشمی، زاهده، پورهاشمی، سیما. (۱۳۹۶). مکان یابی مناطق بهینه توسعه فیزیکی شهر سبزوار بر مبنای شاخص‌های محیطی. علوم جغرافیایی، ۱۳(۲۷)، ۱۴۶-۱۶۹.
 کاتی، ویلیامز برتون، الیزابت؛ جنگز، مایک. (۱۳۸۷). دستیابی به شکل پایدار شهری. (واراز مرادی‌مسیحی، مترجم). تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مبارکی، امید، محمدی، جمال، ضرابی، اصغر. (۱۳۹۲). ارائه‌ی الگوی بهینه‌ی گسترش کالبدی - فضایی شهر ارومیه. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۱(۳۲): ۷۵-۸۸.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری نفوس و مسکن.

نامی، داریوش، فتائی، ابراهیم، نجائی، آرزو، زعیم دار، مژگان. (۱۳۹۶). ارزیابی توان محیطی شهرستان پارس آبادمغان جهت توسعه شهری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۹(۵): ۴۷۵-۴۸۶.

نصیری هنده خاله، اسماعیل، احمدی، علی، رحمانی، رضا. (۱۳۹۶). مهاجرت و تاثیر قوم‌مداری و تنوع زبانی در توسعه شهری تاکستان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۷(۴۴): ۱۲۹-۱۰۷.

نظری علم آبادی، محمد (۱۳۸۷)، آمایش قسمتی از شهر کرمان (طراحی محله مسکونی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.

نوفل سید علیرضا و کلبادی پارین (۱۳۹۲). بازتوسعه زمین‌های قهوه‌ای، رهیافتی به سوی توسعه محلی پایدار، نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران ۵: ۱۳۳-۱۴۶.

یارمحمدی، کلثوم، خدابخشی، زهرا، نظریور دزکی، امین. (۱۳۹۷). ارزیابی توان اکولوژیکی جهت توسعه شهری با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (مطالعه موردی: استان اردبیل). جغرافیا و مطالعات محیطی، ۲۸(۲۸): ۷۴-۶۱.

Amoateng, P., Cobbinah, P. B., & Owusu-Adade, K. (2013). **Managing physical development in peri-urban areas of Kumasi, Ghana: A case of Abuakwa**. Journal of Urban and Environmental Engineering, 7(1): 96-109.

Batisani, N., & Yarnal, B. (2009). **Urban expansion in Centre County, Pennsylvania: Spatial dynamics and landscape transformations**. Applied Geography, 29(2): 235-249.

Burton, E. (2000). **The compact city: just or just compact? A preliminary analysis**. Urban studies, 37(11): 1969-2006.

Elkin, T., McLaren, D., & Hillman, M. (1991). **Reviving the City: Towards Sustainable Urban Development Friends of the Earth**, 16^ 24 Underwood Street. London N1 7JQ.

Helen Letlape, B., & Gumbo, T. (2019, April). **Land Use and Physical Structure Changes: An Expo of Maboneng Precinct**. In REAL CORP 2019-IS THIS THE REAL WORLD?

- Perfect Smart Cities vs. Real Emotional Cities. Proceedings of 24th International Conference on Urban Planning, Regional Development and Information Society (pp. 475-481). CORP-Competence Center of Urban and Regional Planning.
- J.A.G. Jaeger et al(2010). **Suitability criteria for measures of urban sprawl / Ecological Indicators**, 397-406.
- Jaeger, J. A., Bertiller, R., Schwick, C., & Kienast, F. (2010). **Suitability criteria for measures of urban sprawl**. Ecological Indicators, 10(2): 397-406.
- Kaya, S., & Curran, P. J. (2006). **Monitoring urban growth on the European side of the Istanbul metropolitan area: A case study**. International Journal of Applied Earth Observation and Geo information, 8(1): 18-25.
- Kilincci, O., & Onal, S. A. (2011). **Fuzzy AHP approach for supplier selection in a washing machine company**. Expert systems with Applications, 38(8): 9656-9664.
- Mohit, Mohammad Abdul and Ali, Mohammad Mahmud (2006) **Integrating GIS and AHP for land suitability analysis for urban development in a secondary city of Bangladesh**. jurnal alam bina, 8 (1): 1-20. ISSN 1511-1369.
- Nozzi, D. (2003). **Road to ruin: an introduction to sprawl and how to cure it**. Greenwood Publishing Group.
- oward, Frankin. (2002) **.Dispersion urban and public health**. From <http://www.City.Blomington>.
- Park, S., Jeon, S., Kim, S., & Choi, C. (2011). **Prediction and comparison of urban growth by land suitability index mapping using GIS and RS in South Korea**. Landscape and urban planning, 99(2): 104-114.
- Portage County (Wis). Planning Dept(2007).**Stevens Point Urban Area Sewer Service Plan, 1983-2003**. Stevens Point Urban Area Sewer Service Advisory Committee. 206 p.
- Sanders, M. H., & Clark, P. D. (2010). **Geomorphology: Processes, Taxonomy and Applications**. Nova Science Publishers.
- wassmer, R. W. (2002). **Influences of the Focalization of Land Use and Urban-Growth Boundaries**. From <http://www.csus.edu/indiv/w/wassmerr/sprawl.html>.
- Zhao, P. (2011). **Managing urban growth in a transforming China: Evidence from Beijing**. Land Use Policy, 28(1): 96-109.